

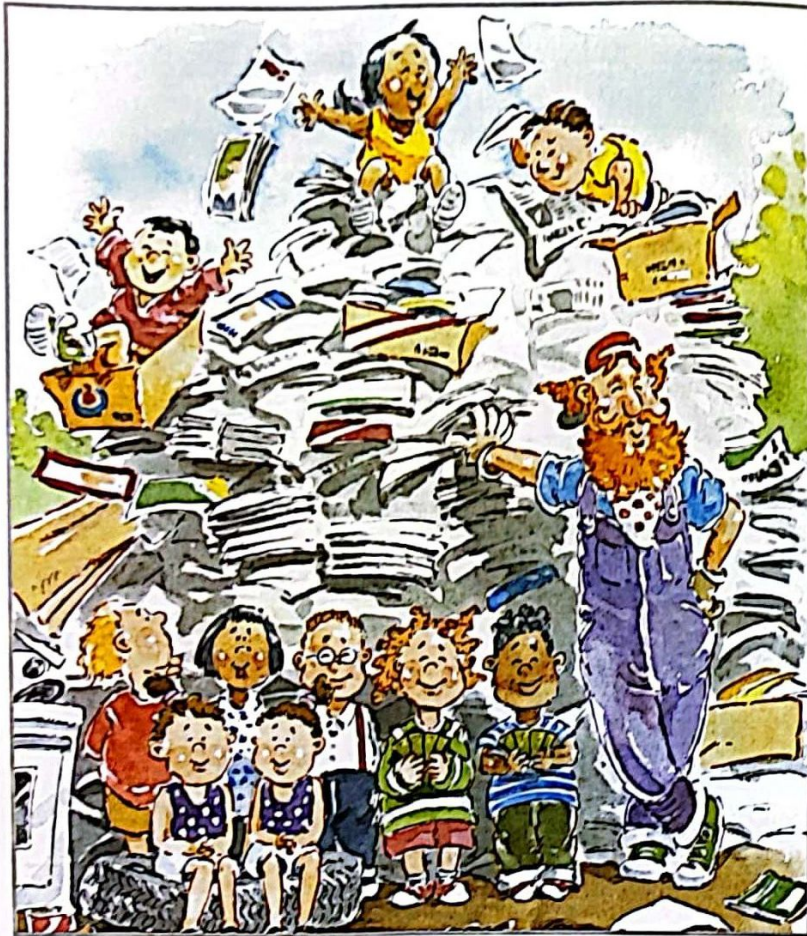


چگونه برای تفریح پول درآوریم؟



روزنامه‌های باطله، جعبه‌های مقوایی و هر نوع کاغذ دیگر

درآمد



ما بچه‌های کلاس دوم، دو تن از انواع کاغذها و مقواها را جمع‌آوری کردیم که بابت آن از آقای ابنر کارمودی، مسئول بازیافت مواد، سی دلار دریافت کردیم.

گزارشی از مسیر جمع‌آوری پول
برای بازدید از موزه.



سوزان اولسن صندوقدار و گزارشگر،
کلاس دوم، مدرسه‌ی نیوتن

مخارج

دو دلار که باید به پنج خواهر و برادر کوچک ترمان می دادیم بابت قرض گرفتن گاری هایشان - البته قبلاً این گاری ها مال خودمان بود.

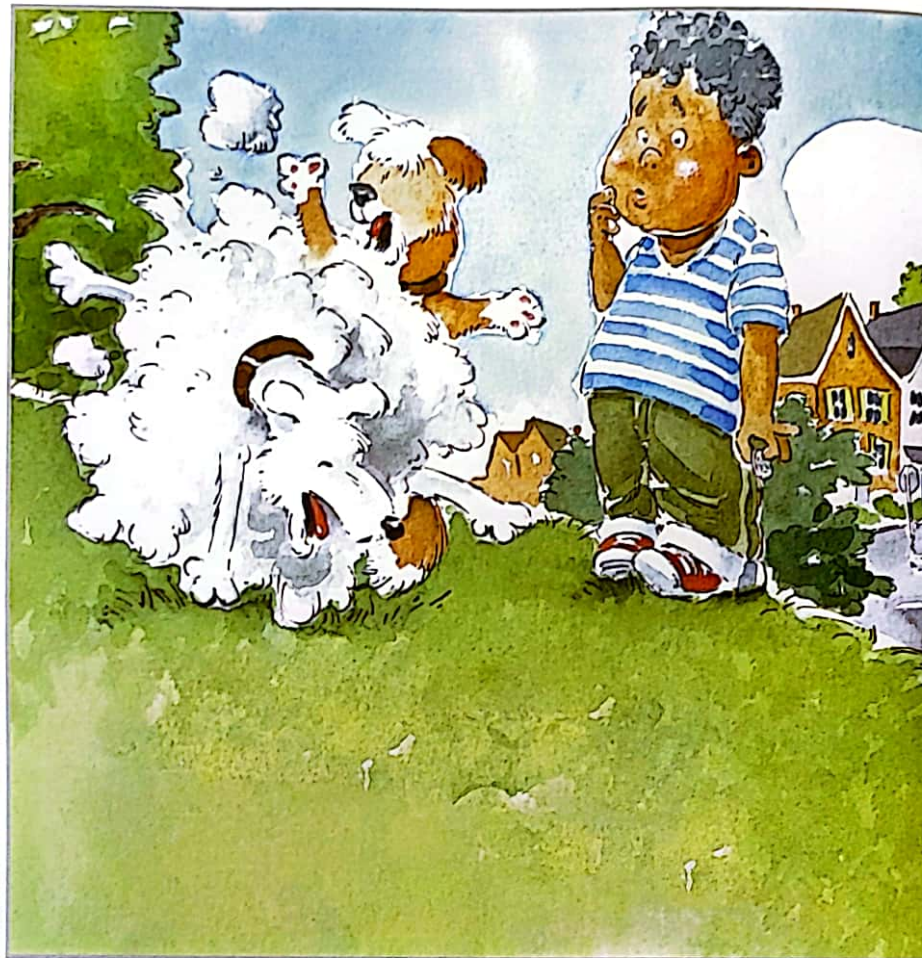
ده دلار که باید به آقای آبر کارمودی، مسئول بازیافت مواد، می دادیم تا مجموعه ی کتاب های طنز بابای جانی پین را پس بدهد؛ چون اگر بابای جانی متوجه می شد کتاب هایش نیست، جانی توی دردسر بدی می افتاد.



سود

روزنامه‌های باطله، جعبه‌های مقوایی و انواع وسایل کاغذی، سودی
معادل سیزده دلار نصیب ما کرد. کم‌کم داریم کار را پیش می‌بریم.

پنج دلار جریمه که به آقای هارولد هوپ، مدیر مدرسه، پرداختیم؛
چون رابرت رز که رفته بود یک سکه‌ی بیست و پنج سنتی توی دستگاه
پارکومتر بیندازد، بین راه سرگرم تماشای دعای سگ‌ها شده و کارش
را فراموش کرده بود (جای همیشگی پارکینگ آقای هوپ با دو تن
روزنامه‌های باطله و جعبه‌های مقوایی و انواع کاغذهای ما پر شده بود).



دکه‌ی لیمونادفروشی مخارج

همسایه‌ی سیسیل کوپرا اجازه داد از شاخه‌ی درخت لیمویش که روی دیوار حیاط سیسیل کوپرا آویزان شده بود سی عدد لیموی مجانی بچینیم.



مادر جرالدين آرتور كه به تازگي رژيم هفتگي اش را شروع كرده بود، چهار كيلو و نيم شكر مجاني به ما داد.

یک تشت لباس شویی مجانی که آقای ابنر کارمودی، مسئول بازیافت مواد، به ما قرض داد و به جایش قرار شد هربار که از کنار ما رد می شود، یک لیوان لیموناد مجانی بردارد.



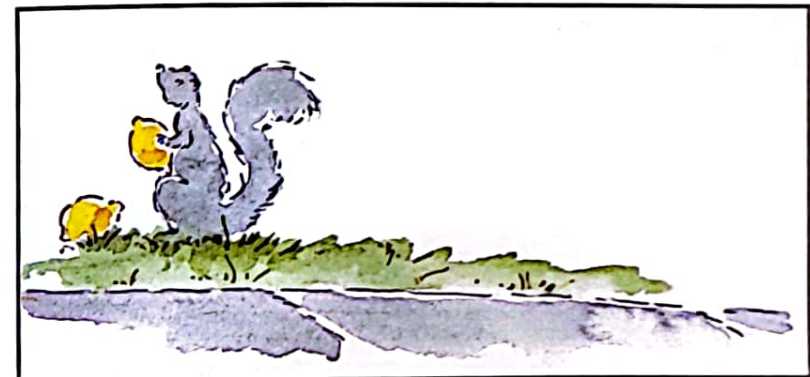
چند تا لیوان، یک میز کوچک، ملاقه، آب و قالب های یخ مجانی که همه را از مادر الینور رابین گرفتیم که همیشه کلی چیزمیز به ما می دهد تا الینور را میان بچه ها محبوب کند.

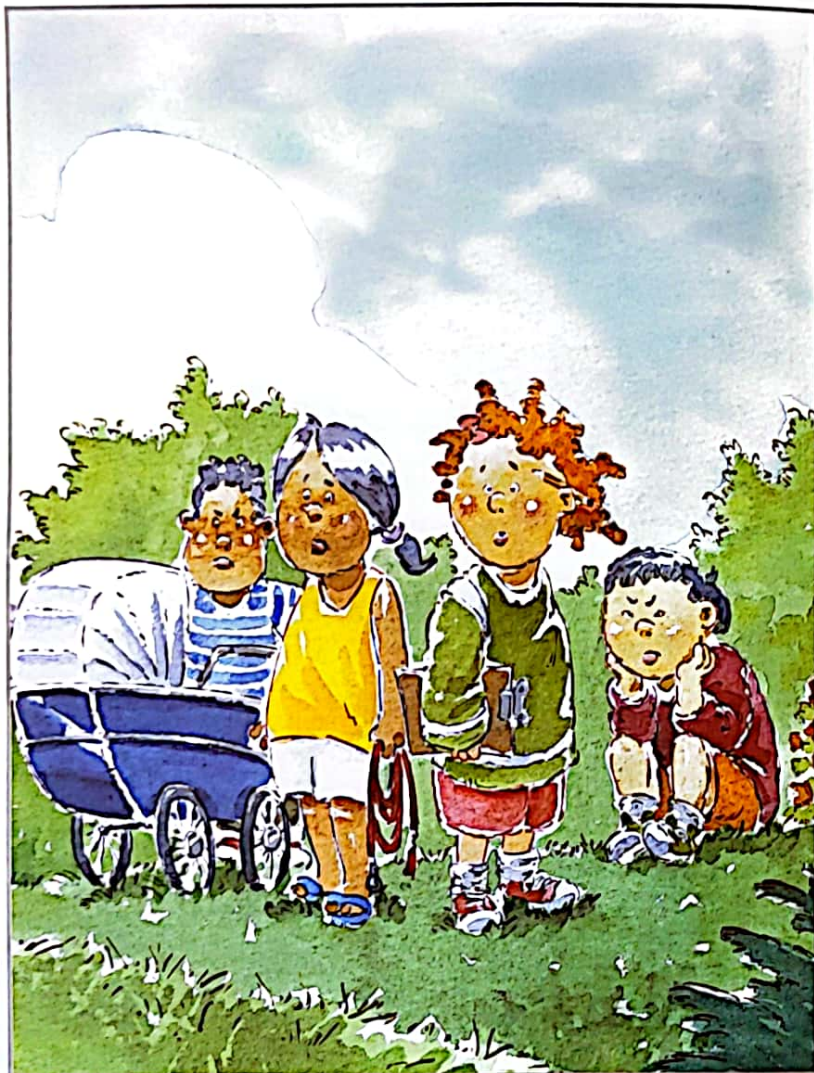


کمک بزرگی بود!
درکل دهی لیمونادفروشی برای ما هزینه ای نداشت.

درآمد و سود

دکه‌ی لیمونادفروشی برای ما درآمدی هم نداشت؛ چون بعد از اینکه تشت را زیر سایه‌ی درخت نارون گذاشتیم و با آب و یخ پر کردیم و آب لیموها را گرفتیم و با شکر مخلوط کردیم، گربه‌ی الینور از بالای درخت افتاد توی تشت و مامان الینور هم مجبورمان کرد همه‌ی لیموناد را بریزیم دور، البته بعد از اینکه گربه را از توی آن بیرون آوردیم. با این حال، با خوشحالی گزارش می‌کنم از ماجرای دکه‌ی لیمونادفروشی ده دلار نصیبمان شد. این ده دلار را آقای نوربرت نورویل، همسایه‌ی الینور رابین، به ما داد که از مشاهده‌ی ماجرا به خنده افتاده بود. فکر کنم از گربه‌ی الینور خوشش نمی‌آید.





پرستاری از بچه و غذا دادن به سگ درآمد، مخارج و سود

هیچی به هیچی؛ چون هیچ کس به یک بچه ی کلاس دومی برای پرستاری از بچه اعتماد نمی کند- هیچ کس، حتی خواهر برادرهای کوچک ترمان. همه ی سگ های این محله هم خودشان برای خودشان غذا پیدا می کنند.

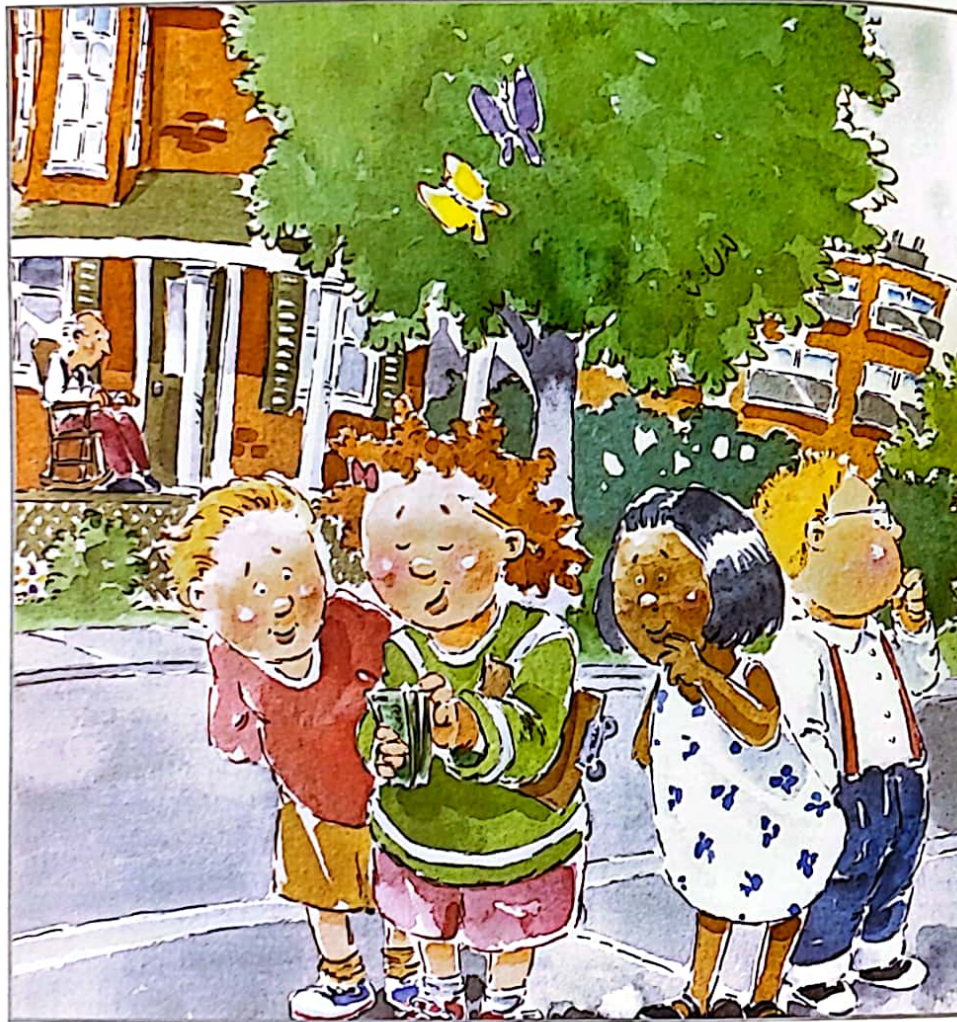
فروش شکلات مخارج

یک کیلو شکلات گردویی مجانی که مامان اسکات الکساندر خیلی
با عجله از در پشتی آمد و داد دستان؛ چون دندان پزشک به اسکات
گفته بود پنج تا دندان کرم خورده دارد.
یک دلار برای یک بسته روکش آلومینیومی تا برای فروش شکلات‌ها
بسته‌بندی قشنگی درست کنیم.

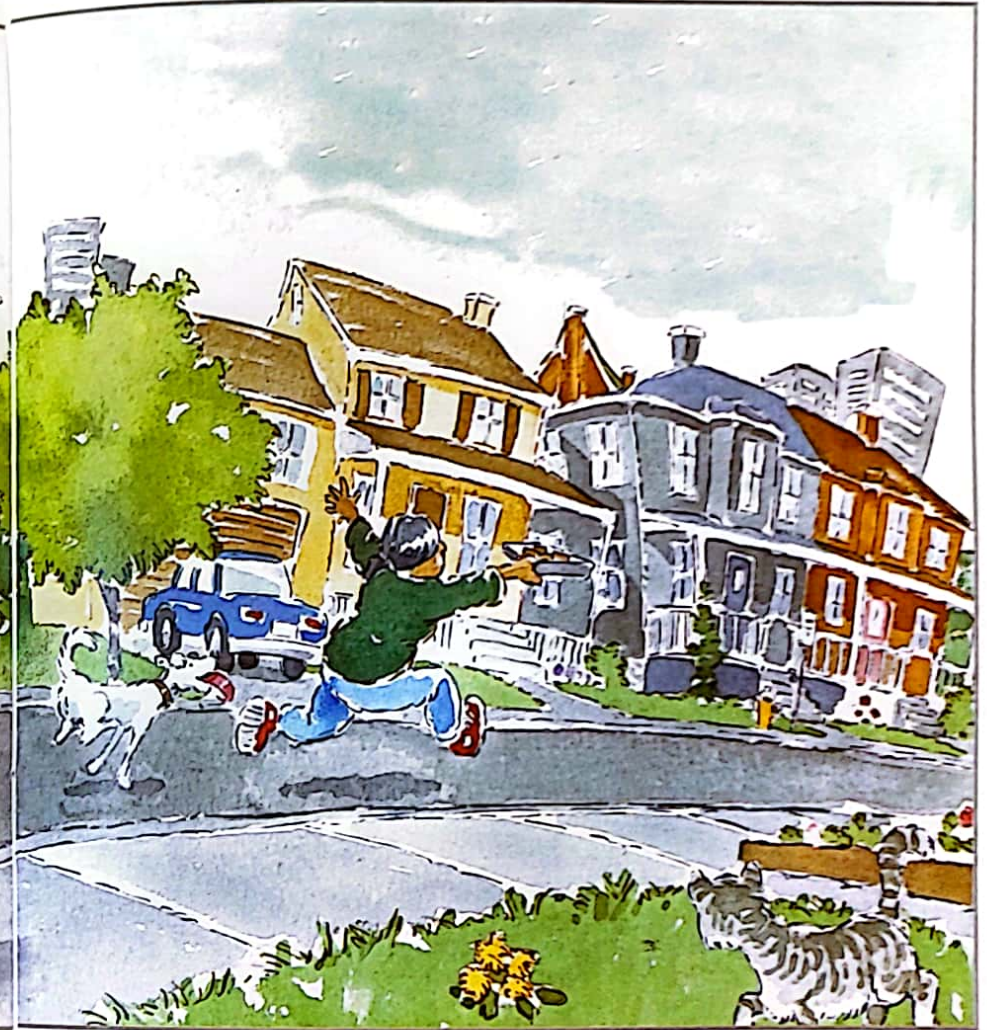


سود

سود ما از فروش شکلات هفت دلار و نیم بود. مامان جرالدين آرتور بعد از اولین گازی که به شکلات زد، این پول را به ما داد. داشتیم به موزه نزدیک تر می شدیم!



روکش آلومینیومی را پس دادیم و پولمان را پس گرفتیم؛ دیگر به آن نیازی نداشتیم؛ چون مامان جرالدين آرتور بدو بدو از خانه بیرون آمد و فریاد زد، "از فردا رژیم جدیدی را شروع می کنم!" و شکلات های بسته بندی نشده ی ما را یک جا خرید.



ماشین شویی مخارج

سه جعبه پودر ماشین خالص و بدون آنزیم که مال صد سال پیش بود و از آقای آبتر کارمودی، مسئول بازیافت مواد، مجانی گرفتیم. آقای کارمودی می خواست با قطعات بازیافتی برای خودش یک ماشین درست کند و قرار شد ما در آینده در ازای پودرها سه بار ماشین او را بشوییم.





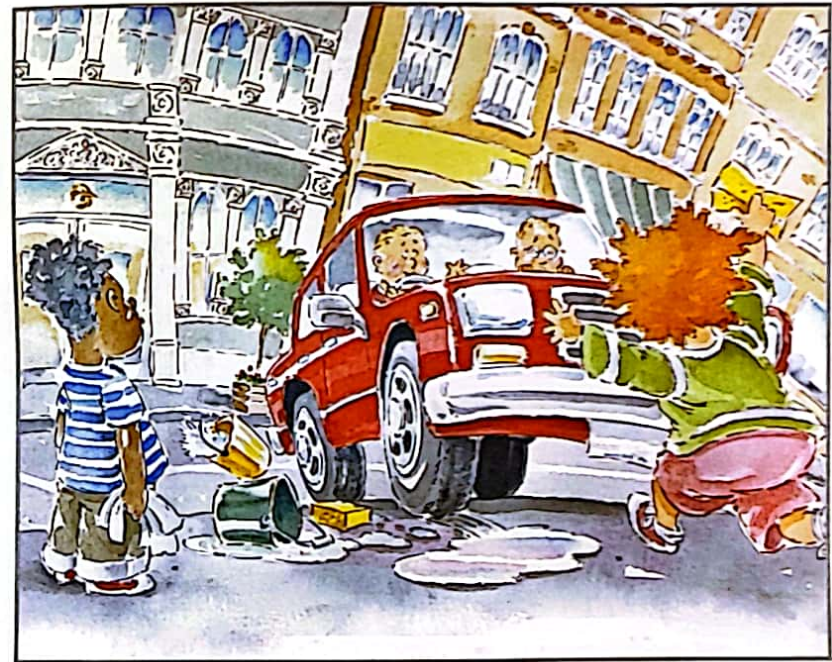
که داشتیم فراموش کردیم مراقب وسایلمان باشیم و در این میان هم یکی آنها را روی کولش گذاشت و در رفت. خریدن دوباره‌ی اسفنج و لنگ و سطل بیست دلار اضافه خرج روی دست ما گذاشت. با این حساب کل هزینه‌ها بیست و پنج دلار شد.



پنج دلار که به آقای ویلیام ویلیامز دادیم تا از محوطه‌ی خالی در ایستگاه پمپ بنزینش استفاده کنیم. او می‌خواهد بعد از رونق گرفتن کاروکاسی‌اش یک پمپ دیگر توی این محوطه بگذارد. اسفنج و لنگ و سطل را هم ماما باباها مجانی به ما دادند. البته بعد از اینکه قول دادیم حتماً آنها را برمی‌گردانیم. ما به خاطر آن همه هیجانی

درآمد

چارلی هندن بازی بازی وانمود می کرد می خواهد سطل آب را از شیشه ی باز ماشین اولین مشتری (آقای هارولد هوپ مدیر مدرسه) داخل ماشین بریزد. اما سطل یک جورهایی از دستش در رفت. این طوری شد که خانم پینکنی معلممان و آقای هوپ مجبور شدند برای آرامش اعصابشان بروند سر خیابان و یک فتنجان قهوه بنوشند. با این حساب آنها آنجا نبودند و ندیدند چارلی چه کار کرد. او می خواست به سیسیل کوپرنشان بدهد باباش چه چیزهایی از رانندگی به او یاد داده، ناگهان ترمزدستی ماشین آقای هوپ را آزاد کرد و ماشین عقب عقب وارد خیابان شد و یک راست به طرف بانک رفت.



وقتی در بانک با شدت باز شد و دو مرد گونی به دوش از آن بیرون زدند، خانم پینکنی و آقای هوپ باز هم آنجا نبودند.





خانم هنریتا وینکر، نگهبان بانک، لبخند زنان دستگیرشان کرد.

آن دو مرد تا دیدند ماشین آقای هوپ با سرعت به سمت آنها می آید،
همه چیز را زمین انداختند و پریدند توی بانک.



به این ترتیب یک هدیه ی هشت هزار و دویست دلاری به بچه های کلاس دوم تعلق گرفت و از آنجایی که جدول بلند جلوی دربانک ناگهان ماشین آقای هوپ را بدون هیچ خسارتی متوقف کرد، سود کل از ماشین شویی هشت هزار و صد و هفتاد و پنج دلار شد.



سود کل تمام فعالیت ها

هشت هزار و دویست و پنج دلار و پنجاه سنت.
این مقدار خیلی بیشتر از چیزی بود که برای بازدیدمان از موزه نیاز داشتیم. اما رئیس پلیس گفت که دادن پول هدیه، ابد و یک روز طول می کشد. احتمالاً ما قبل از اینکه یک دلار از آن هدیه را ببینیم به کلاس سوم می رویم.
اما این باعث نشد بازدید ما به تأخیر بیفتد! والدین بچه های کلاس دوم جمع شدند و پول کافی برای این سفر را جمع کردند.
گفتند که آنها هم به استراحت و تفریح نیاز دارند.
حالا ما توی راهیم!



۱۱ دوره
ناشر نمونه
کشور
سال های
۷۴، ۷۲
۷۹، ۷۸
۸۴، ۸۳
۹۱، ۸۸
۹۵ و ۹۴
۱۳۹۶

ناشر برگزیده ۶ دوره

در جشنواره ی کتاب های آموزشی رشد
(آموزش و پرورش)

بچه های سرتق کلاس دوم تصمیم دارند برای بازدید موزه ی معروف کشور به شهر دیگری سفر کنند و برای این سفر به پول احتیاج دارند. آنها کارهای زیادی را امتحان می کنند. خرج می کنند، پول در می آورند، سودشان را حساب می کنند، حسابی آتش می سوزانند و در آخر هم چیز زیادی به دست نمی آورند.

شما می دانید چطور باید مخارج، درآمد و سود یک کسب و کار را حساب کنید؟

جایگاه کتاب در استاندارد آموزش سواد مالی

تصمیم گیری مالی

هدفمندی

مدیریت ریسک و بیمه

سرمایه گذاری

کاریابی و درآمد

کسب درآمد

اعتبار و بدهی

خرج و پس انداز

آکادمی
هوش مالی
نسبت طلایی زندگی
www.fintelligence.ir



کتاب های پخته
واحد کودک و خردسال
موسسه انتشارات قدیانی
www.ghadyani.org
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۴۴۱۰

ISBN: 978-600-08-0837-2

